

# تحلیل وجودی مسئله ضعف اراده از منظر حکمت متعالیه

مرضیه اکبرپور<sup>۱</sup>

حسن مرادی<sup>۲</sup>

محمود صیدی<sup>۳</sup>

چکیده

نمیداند بلکه عمل یکی از ظهورات حقیقتی  
وجودی و مساوق با علم است.

موضوع این مقاله ضعف اراده یا شکاف بین نظر و عمل است و مسئله آن، چگونگی تحلیل وجودی این مسئله بر اساس نظریه وحدت تشکیکی وجود. در تحلیل ماهوی، مبادی فعل ارادی دارای ترتب علی و زمانیند اما در تحلیل وجودی، آنها مراتب حقیقت واحد وجودند. با این تفسیر، علم و عمل وجوه یک حقیقتند که وقتی از ذات نشئت میگیرد، در مرحله‌ی نام علم به خود میگیرد و در مرحله‌ی دیگر، نام اراده یا شوق. در نتیجه، علم و عمل ارادی دورشته بهم متصل هستند که ریشه واحدی در ذات انسان دارند؛ ریشه‌ی از سنخ محبت و ابتهاج. در دید ماهوی، ضعف اراده را باید در ضعف اعضای زنجیره علی قبل از آن، مثل تصور فعل و تصدیق به فایده آن، جستجو نمود. اما در دید وجودی، ضعف عمل ارادی در رابطه مستقیم با ضعف وجودی انسان و ضعف علم مساوق با آن است. تفاوت نگاه وجودی با نگاه ماهوی در اینست که نگاه وجودی عمل ارادی را در انتهای یک زنجیره از مبادی و جدای از علم

کلید واژگان: اراده، فعل ارادی، ابتهاج، ضعف اراده، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

طرح مسئله

مسئله آکراسیا (Akrasia) را که تا امروز بعنوان یکی از مسائل دشوار و مورد علاقه فلاسفه باقی مانده است، نخستین بار افلاطون از زبان سقراط مطرح کرد (هوگلی، ۱۳۹۴/۱: ۳۲۹). سقراط بر این باور بود که چون عوام درکی از سرشت حقیقی دانش ندارند، به تحقق شکاف بین علم و عمل، که آکراسیا نامیده میشود، معتقدند. یعنی امکان ندارد فردی کاری را بداند و آنرا انجام دهد (افلاطون، ۱۳۸۰: ۲/ ۱۱۰) افلاطون معتقد بود وقتی جزء برتر یا اول نفس که سنجشگر است، مغلوب جزء پستتر یا شهویه میشود، جزء وسط (اراده یا نفس در تمامیت خود) ناخواسته از جزء پستتر تبعیت میکند (هوگلی، ۱۳۹۴/۱: ۳۲۹).

\* تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۲۳ تاریخ تأیید: ۹۸/۲/۲۰

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه شاهد Akbarpour.mrz@gmail.com

۲. استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول) dr.hassan.moradi@gmail.com

۳. استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه شاهد m.saidiy@yahoo.com

فردا  
میرد